

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه : پورامینی، محمدمین، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور : رهنما حاجت‌ها و وسیله‌ها/ نویسنده محمدمین پورامینی.
مشخصات نشر : مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۱.
شابک : 978-600-6543-40-6
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
بازداشت : کتابنامه .
موضوع : توسل -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها
موضوع : توسل -- احادیث
شناسه افزوده : آستان قدس رضوی . معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
رده بندی کنگره : BP/۲۲۶ ۱۳۹۱/۶ ۱۳۹۴/۹ پ
رده بندی دیوبی : ۴۶۸/۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۲۱۳۴۹



۷۳ → حاجت‌ها و وسیله‌ها

نویسنده: محمدمین پورامینی
آستان قدس رضوی

چاپ سوم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی
تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به کوشش محمدحسین پورامینی
ویراستار: سیدحمید حیدری ثانی
طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی
طراح جلد: علی بیات





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **رهنما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



حاجت‌ها و وسیله‌ها

در این کتابچه، در قالب پرسش و پاسخ، به بررسی برخی مفاهیم و پاسخ‌گویی به برخی شبهات درباره «توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام» می‌پردازیم؛ تا از این پس، با بصیرتی کامل‌تر، دست توسل به دامان ائمه علیهم‌السلام زنیم:

؟ توسل یعنی چه؟

؟ چگونه توسل کنیم؟

؟ کجا جای توسل است؟

؟ توسل در سیره مسلمانان چه سابقه‌ای دارد و سرآغاز مخالفت با آن، از کجا بوده است؟

؟ نظر آیات و روایات درباره توسل چیست؟

؟ تفاوت توسل با پرستش چیست؟





درآمد

از دیرباز دربارهٔ توسل و کمک‌جستن از اولیای دین، سؤال و کنکاش می‌شده است و می‌شود. با ظهور برخی از فرقه‌های کج‌اندیش و افراطی و تسلط آنان بر مکه و مدینه و با بهره‌گیری از منابع نفتی و رسانه‌های جمعی، دست‌یازی به عقاید و اندیشه‌های صحیح مسلمانان، هدف تیرهای مسموم ایشان قرار گرفت. در این راستا، ابتدا شیعیان و اندیشهٔ زلال شیعی و سپس دیگر مسلمانان مدنظر بودند. از این‌ها گذشته، روشن‌سازی حقایق و معارف ناب، وظیفه‌ای بر گردن ماست. از این‌رو، پرسش‌های مهمی را در این جزوه مطرح کرده‌ایم که دربارهٔ توسل مطرح شده است و با بیانی ساده و رسا به آن‌ها جواب داده‌ایم. امید است که صاحب آستان رضوی، حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از ما بپذیرد.



پرسش ۱: معنای توسل چیست؟

پاسخ: توسل به معنای تمسک و ورزیدن به وسیله برای رسیدن به خواسته است. این کار باید همراه با رغبت و خواست انسان باشد.^۱ مقصود از توسل، پناه‌بردن و تمسک‌جستن به اولیای الهی (پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام) برای برآوردن نیازهاست.

پرسش ۲: آیا توسل به معنای دورزدن حاکمیت الهی نیست؟

پاسخ: از آنجاکه نظام هستی بر اساس قوانین خاص الهی و نظام اسباب و مسببات است که همه تحت حاکمیت خداوند است، چنگ‌زدن به یک یا چند سبب برای رسیدن به خواسته، به معنای دورزدن حاکمیت الهی نیست. مقصود از توسل، تمسک‌جستن به پیامبران و امامان

۱. راغب می‌نویسد: «الوسيلة: التوصل الى الشيء برغبة.» (= وسیله عبارت است از رسیدن به چیزی همراه با رغبت.)؛ المیزان، ج ۵، ص ۳۲۸.

معصوم علیه السلام برای دستیابی به هدف است؛ بدین گونه که آنان را آبرومندان درگاه خدا می‌دانیم و خداوند آنان را وسیلهٔ تقرب به درگاهش قرار داده است. بدین سان، خود ایشان در نظام اسباب و مسببات، از اسباب جریان فیض الهی واقع شده‌اند.

پرسش ۳: آیا می‌توان افرادی را آبرومندان درگاه خدا دانست، به گونه‌ای که دعاهایشان اجابت شود؟

پاسخ: در درستی این سخن جای تردید نیست. علاوه بر امکان، دلیل قرآنی و روایی برای این مطلب وجود دارد. در تاریخ هم نمونه‌هایی واقع شده است. در قرآن کریم از حضرت عیسی علیه السلام به عنوان وجیه و آبرومند در دنیا و آخرت یاد شده است: ﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾ (= آنگاه که فرشتگان گفتند: «ای مریم، خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود مژده می‌دهد که نام او مسیح عیسی بن مریم



است و در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان است.»^۱

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مردم در دنیا دو گروه‌اند: گروهی به خاطر دنیا تلاش می‌کنند و دنیایشان آنان را از آخرتشان باز داشته است؛ درباره‌ی بازماندگان خود از تنگدستی و حشت دارند، ولی خویش را در امان می‌دانند؛ لذا عمر خود را در راه منافع دیگران فانی می‌سازند. گروهی دیگر به خاطر آنچه بعد از دنیا است، کوشش می‌کنند؛ اما سهم آن‌ها از دنیا بدون عمل به آن‌ها می‌رسد. آن‌ها هر دو بهره (دنیا و آخرت) را با هم می‌برند و هر دو سرا را با هم دارند؛ در درگاه خداوند آبرومند خواهند بود، به گونه‌ای که هر چه بخواهند، خداوند از آن‌ها دریغ نمی‌دارد.»^۲

۱. آل عمران، ۴۵.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۶۹.

پرسش ۴: آیا توسل ریشه قرآنی و روایی دارد؟

پاسخ: دلایل قرآنی و روایی گوناگون و متعددی در این زمینه وجود دارد. برای نمونه:

۱. وقتی فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام برای آموزش خواهی دست به دامان پدرشان شدند و در واقع به او متوسل شدند، او ایشان را نهیب نزد که چرا خودتان مستقیم به در خانه خدا نمی‌روید؛ بلکه جواب مثبت داد. قرآن کریم این قضیه را نقل کرده است و هیچ نفی و نهی‌ای نمی‌فرماید: ﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾ (= گفتند: «ای پدر، برای گناهان ما آموزش خواه که ما بد کردیم.») ^۱ از آن مهم‌تر، جواب مثبت پیامبر معصوم، حضرت یعقوب علیه السلام است که فرمود: ﴿قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (= گفت: «به‌زودی از پروردگرم برای شما آموزش می‌خواهم که او همانا آمرزنده مهربان است.») ^۲ بنابراین، قرآن کریم توسل جستن

۱. یوسف، ۹۷.

۲. یوسف، ۹۸.

فرزندان یعقوب علیه السلام به پدر را نقل می‌کند و اینکه حضرت یعقوب علیه السلام مهر تأیید بر کارشان زده است. هیچ اشکالی نیز بر این کار نمی‌گیرد.

۲. در قرآن مجید دربارهٔ توسل جستن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ (= و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند).^۱ این مهم برای همهٔ افراد و برای همهٔ دوران‌هاست و فرقی بین دورهٔ پیش از مرگ حضرت و پس از آن ندارد. همچنین فرموده است: ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾^۲ مصداق کامل «وسيله» به تصریح روایات، خود آن بزرگواران هستند. همچنین سیرهٔ دائمی مسلمانان از دورهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تاکنون بر آن بوده است و هیچ‌کس

۱. نساء، ۶۴.

۲. مائده، ۳۵؛ (= و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوید!)

مخالفتی نکرده است؛ مگر اقلیت کجاندیش وهابیت که در میان برادران اهل سنت ما هم در اقلیت هستند. آنان با بهره‌گیری از امکانات نفتی و رسانه‌ای و سوءاستفاده از موقعیت خاص مکه و مدینه، به تبلیغات منفی پرداخته‌اند.

۳. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾^۱ در این آیه شریفه، راهکار نزدیک شدن به خداوند نشان داده شده است. می‌فرماید: «برای نزدیک شدن به او، وسیله‌ای بجوید.» البته عنوان «وسيله» عام است و شامل تمام چیزهایی می‌شود که بنده را به آفریدگار خود نزدیک می‌کند: عقاید صحیح، اخلاق نیکو، کارهای نیک، جهاد با دشمن، جهاد با نفس، صفات پسندیده، بندگی، انواع عبادت (نماز، روزه، حج، خمس، زکات، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تولی، تبری)، کمک به مستمندان، صلۀ رحم و...^۲ در نهج البلاغه از حضرت

۱. مائده، ۳۵.

۲. نک: التبیان، ج ۳، ص ۵۱۱؛ تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۳؛ المیزان، ج ۵، ص ۳۲۸؛ مواهب الرحمن، ج ۱۱، ص ۲۱۵؛ تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۶۷.



علی‌علیه‌السلام نقل شده است: «بهترین چیزی که به وسیله آن می‌توان به خدا نزدیک شد، ایمان به خدا و پیامبر او و جهاد در راه خداست که قلۀ کوهسار اسلام است؛ همچنین جملهٔ اخلاص (لااله الاالله) که همان فطرت توحید است و برپاداشتن نماز که آیین اسلام است و زکات که فریضهٔ واجب است و روزهٔ ماه رمضان که سپری است در برابر گناه و کیفرهای الهی و حج و عمره که فقر و پریشانی را دور می‌کند و گناهان را می‌شوید و صلۀ رحم که ثروت را زیاد و عمر را طولانی می‌کند و انفاق‌های پنهانی که جبران گناهان می‌کند و انفاق آشکار که مرگ‌های ناگوار و بد را دور می‌سازد و کارهای نیک که انسان را از سقوط نجات می‌دهد.»^۱ بنابراین راه نزدیک شدن به خدا منحصر به یک عمل و یک راه نیست.

از راه‌های مهم نزدیک شدن به خداوند، توسل جستن و تمسک به رسول خدا ﷺ و ائمهٔ طاهرين ﷺ

۱. نهج البلاغه، ص ۲۱۶، خطبهٔ ۱۱۰.

و اولیای الهی است. در واقع، مصداق کامل «وسیله» در آن بزرگواران محقق شده است. از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است: ﴿انا وسیلته﴾ (= من وسیله اویم).^۱ و همچنین فرمود: «هیچ امتی از وسیله به سوی خدا بی بهره نیست.»^۲ در تفسیر قمی آمده است: (تقربوا الیه بالامام) (= به واسطه امام علیه السلام به خدا نزدیک شوید).^۳ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: ﴿الأمّة من ولد الحسین، من أطاعهم فقد أطاع الله و من عصاهم فقد عصی الله، هم العروة الوثقی و الوسیلة الی الله﴾ (= امامان از نسل حسین علیه السلام هستند. هر کس که فرمانشان را برد، فرمان برداری خدا را کرده است و هر کس که نافرمانیشان کند، خدا را نافرمانی کرده است. آنان ریسمان محکم و وسیله به سوی خدایند).^۴

۱. البرهان، ج ۲، ص ۲۹۲، ح ۳۰۷۸.

۲. همان، ح ۳۰۷۹.

۳. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۴. تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۶.



پرسش ۵: آیا سیره مسلمانان در طول تاریخ، توسل به بزرگان دین بوده است؟

آیا توسل در زمان پیامبر ﷺ سابقه داشته است؟

پاسخ: مسلمانان در طول تاریخ، به اولیای دین توسل می‌کرده‌اند. ریشه توسل به صدر اسلام برمی‌گردد. مسلمانان از دوره رسول خدا ﷺ و پس‌از آن تاکنون، به توسل اهمیت داده‌اند و هیچ‌گاه از توسل به اولیای دین غافل نبوده‌اند. طبق روایتی که بیهقی (از بزرگان اهل سنت) در دلائل النبوه از انس آورده است، عمر برای طلب باران به صحرا رفت و عباس، عموی پیامبر را به‌همراه خود برد تا مسلمانان او را واسطه بین خود و خدا قرار دهند و به او متوسل شوند. او درضمن دعا گفت: «بار خدایا، ما در دوره رسول خدا ﷺ به‌هنگام قحطی به رسول تو متوسل می‌شدیم و امروز به عموی پیامبرت متوسل شده‌ایم؛ پس باران رحمت

را بر ما فرو فرست.» و باران بارید.^۱ پس معلوم می‌شود که توسل از زمان رسول خدا ﷺ در میان مردم معمول بوده است.

تقی‌الدین سبکی شافعی در کتاب شفاءالسقام به نقل از ابوالجوزاء آورده است که گفت: «مردم مدینه به قحطی شدید افتادند. شکایت به عایشه بردند. گفت سراغ قبر رسول خدا ﷺ روید و دریچه‌ای از سقف بگشایید که مانعی بین قبر و آسمان نباشد.» این کار را کردند و باران بسیار خوبی بارید که گیاهان روید و شتران چاق شدند. آن سال را عام‌الفتق نامیدند.» سبکی از این جریان به‌عنوان توسل مردم به قبر رسول خدا ﷺ یاد می‌کند.^۲ دارمی نیز در کتاب سنن خود، این ماجرا را نقل کرده است.^۳

۱. دلائل النبوة، ج ۲، ص ۵۶۶، ح ۵۱۱.

۲. شفاءالسقام، ص ۳۰۹.

۳. سنن الدارمی، ج ۱، ص ۴۴.

رجوع به اهل بیت علیهم‌السلام در همه زمین‌ها به‌دستور شخص رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؛ مثل حدیث ثقلین و حدیث سفینه و حدیث منزلت و... صاحب بصائر الدرجات در کتاب خود از محمد بن حکیم از امام کاظم علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمودند: ﴿...أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ حَتَّىٰ اكْمَلَ لَهُ جَمِيعَ دِينِهِ فِي حَلَالِهِ وَحَرَامِهِ فَجَاءَكُمْ مِمَّا تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فِي حَيَاتِهِ وَتَسْتَغِيثُونَ بِهِ وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ﴾ (= خداوند جان رسولش را نستاند مگر آنکه همه دستورات حلال و حرام را کامل ساخت و تا زنده بود، همه آنچه بدان نیاز داشتید، آورد و آنچه برای آن به او و اهل بیتش پس از مرگشان پناه می‌برید و دست نیاز برمی‌دارید، فراهم ساخت.)^۱

۱. بصائر الدرجات، ص ۱۴۷، ح ۳.



پرسش ۶: اگر مقتضای توحید کامل این است که انسان از هیچ کسی جز خدا یاری نخواهد، پس توسل به اولیای خدا هم نباید صحیح باشد؟

پاسخ: مقتضای توحید این است که جز الله، کسی را خدا ندانیم و سر تعظیم پرستشگری در برابر کسی جز او خم نکنیم و برای غیر او سجده نکنیم. اما یاری خواستن از غیر خدا، با عقیده توحید منافاتی ندارد. مگر ما در امور عادی خود به سراغ افرادی نمی‌رویم که توانایی برآورده‌سازی نیازمان را دارند؟ مگر برای درمان سراغ دکتر و برای ساختمان‌سازی سراغ بنا و برای ساخت در و پنجره سراغ نجار و آهنگر نمی‌رویم؟ مگر این‌ها یاری خواستن از ایشان نیست؟ بلی، یاری خواستن از غیر خدا به‌عنوان آنکه تمام امور تنها به‌دست اوست و او توانایی انجام‌دادن آن را مستقلاً و بدون اجازه خدا دارد، مردود است. هیچ‌کس از ما نیز این عقیده را ندارد. عقیده ما این است که رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام به اذن خدا نیازهای ما را برآورده می‌سازند. پس توسل به صالحان، با توحید منافاتی ندارد.

پرسش ۷: چگونه توسل با بعضی از آیات ظاهراً مخالف با آن، جمع می‌شود؟

پاسخ: وهابی‌ها و سلفی‌گراهای کج‌اندیش، برای رد توسل و شفاعت، به آیاتی از قرآن مجید تمسک می‌کنند که مربوط به مشرکان و بت‌پرستان است و هیچ ربطی به محل بحث ندارد. مثلاً گروهی از مشرکان به عبادت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ یا عزیر عَلَيْهِ السَّلَامُ یا جن یا بت پرداختند. قرآن کریم مشرکانی را به شدت نهیب می‌زند که اقدام به پرستش بتان و جنیان یا حتی مثل عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و عزیر عَلَيْهِ السَّلَامُ کرده‌اند. می‌فرماید: «این معبودهای شما هیچ مشکلی را نمی‌توانند حل کنند؛ بلکه خودشان وسیله‌ای را برای تقرب می‌جویند.» ﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا﴾ (= بگو: «کسانی را که غیر از خدا، معبود خود می‌پندارید، بخوانید. آن‌ها نه می‌توانند مشکلی را از شما برطرف سازند و نه تغییری در آن ایجاد کنند. کسانی را که آنان می‌خوانند، خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می‌جویند که هرچه نزدیک‌تر



باشد. آنان به رحمت او امیدوارند و از عذاب او می‌ترسند؛ چراکه عذاب پروردگارت، همواره درخور پرهیز و وحشت است.»^۱ در این آیه باز سخن از مشرکان است. درحقیقت، این آیه همانند بسیاری دیگر از آیات قرآن، منطق و عقیده مشرکان را از این راه ابطال می‌کند که پرستش و عبادت آلهه، یا به‌خاطر جلب منفعت است یا دفع زیان؛ درحالی که این‌ها قدرتی از خود ندارند که مشکلی را برطرف سازند و نه حتی مشکلی را جابه‌جا کنند؛ چون خودشان نیز برای حل مشکلات به در خانه خدا می‌روند؛ خودشان سعی می‌کنند به ذات پاک او تقرب جویند و هرچه می‌خواهند، از او بخواهند.^۲

وهابیان به‌دلیل دگم‌اندیشی نتوانسته‌اند یا نخواسته‌اند این دو مقوله را از هم جدا سازند. مهم‌ترین تفاوت در دو نکته اساسی است:

۱. اسراء، ۵۶ و ۵۷.

۲. نک: برگزیده تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۴۹.



۱. بت پرستان در مقام پرستش بتان خود بودند؛

۲. آنان را مستقل در برآورده ساختن نیازهای خود می دانستند.

حال آنکه هر دو مطلب در توسل منتفی است؛ چون ما عقیده داریم که تنها معبود، خدای یگانه است و هیچ پیامبر و امامی را نمی پرستیم؛ بلکه آنان را بندگان برتر خدا می دانیم. همچنین آنان را مستقل در برآوردن نیازهایمان نمی دانیم؛ بلکه آنان را دارای آن آبرو و موقعیتی می دانیم که دعا و شفاعتشان پذیرفته است. به تعبیر برخی از مفسران،^۱ آن بزرگواران درهای رحمت الهی در روی زمین هستند و خداوند دستور داده است که خانه را از در آن باید وارد شد: ﴿وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾^۲

۱. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۲۱۶.

۲. بقره، ۱۸۹؛ (و از درِ خانه‌ها وارد شوید).



پرسش ۸: آیا «توسل» به معصومان علیهم‌السلام با توحید عبادی منافات ندارد؟ آیا توسل

به اولیای خدا و شفاعت خواستن از آنان شرک نیست؟

پاسخ: توسل به بزرگان اصلاً به معنای پرستش آنان نیست، تا با توحید در عبادت منافاتی داشته باشد؛ چون توحید عبادی منحصر دانستن خداوند به عبادت است و روشن است که معبود همه، جز ذات باری تعالی کس دیگر نیست. درباره اولیا و بزرگان دین، نه عقیده به الوهیت و خدایی آنان داریم و نه آنان را فاعل مستقل و ناوابسته می‌دانیم. پس کسی در توسل دچار شرک نمی‌شود؛ زیرا وقتی شرک خواهد بود که آن بزرگواران را مستقل در برآورده‌سازی حاجات خویش در نظر آوریم. ولی وقتی آنان را آبروداران درگاه ربوبی بدانیم که برای ما دعا و شفاعت می‌کنند و با اذن خداوند، اقدام به برآوردن حاجات ما می‌کنند، دیگر مجالی برای این توهم باقی نمی‌ماند.

پرسش ۹: باتوجه به آیه ﴿ایاک نعبد و ایاک نستعین﴾، استمداد از ائمه علیهم‌السلام برای شفای

بیماران چه معنایی دارد؟

پاسخ: این دو هیچ ربطی به هم ندارند. عبادت تنها برای خدا واقع می‌شود و پرستش غیر الله شرک و کفر است. بهترین بندگان خدا، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام هستند. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: ﴿کفی لی فخراً ان اکون لک عبداً﴾ (= خدایا، برای من همین افتخار بس که بنده تو باشم).^۱ کمک‌خواهی از امامان به معنای پرستش آنان نیست؛ بلکه به معنای این است که چون آن بزرگواران، آبرومندان درگاه الهی هستند، با کمک‌جویی از ایشان به نزد خدا بروند و از خدا شفای بیمارشان را بخواهند. یا چون آن بزرگان، آبرومندان دستگاه الهی هستند، به ایشان این قدرت را داده‌اند که با اجازه الهی بیماران را شفا دهند. در هر دو

۱. المناقب، ج ۲، ص ۲۹۹؛ بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۳۴۰، ح ۱۴.



صورت، این، به‌معنای پرستش ایشان نیست؛ چون توانایی ایشان نیز از خدا و به خواست و اجازه اوست. بنابراین همه‌چیز به ذات باری تعالی برمی‌گردد.

پرسش ۱۰: آیا احتمال ندارد واسطه‌قراردادن اولیای خدا و معصومان علیهم‌السلام به درگاه خدا، موجب پرستش آن‌ها شود؟

پاسخ: خیر، معنای پرستش، درخواست همراه با اعتقاد به الوهیت است. پرستش، نهایت خضوع و خشوع همراه با اعتقاد به الوهیت معبود است؛ درحالی‌که جایگاه اشخاص و اولیای الهی از جایگاه ربوبی جداست و همه آنان در جایگاه بندگی او قرار دارند و هیچ بنده‌ای، گرچه در رتبه اول عبودیت باشد، نمی‌تواند پرستیده شود. غلوکنندگان به‌دلیل ضعف معرفت و پیروی از هواهای نفسانی به این دام افتاده‌اند و امامان‌ماین‌افرادال‌عن کرده‌اند.



پرسش ۱۱: ائمه علیهم‌السلام چگونه واسطه فیض خداوند هستند؟ اگر چنین است، چرا؟

مگر نمی‌توانیم به‌طور مستقیم با خدا صحبت کنیم؟

پاسخ: هدف نهایی آفرینش این عالم، تربیت انسان کاملی است که محصول عبادت حضرت حق است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱ گل سرسبد همه انسان‌های کامل، حضرت ختمی مرتبت، رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و پس از ایشان، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام. از این‌رو، این بزرگواران واسطه فیض خداوند قرار گرفته‌اند. درباره حضرت حجت علیه‌السلام فرموده‌اند: ﴿ثُمَّ الْحُجَّةُ الْخَلْفُ الصَّالِحُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ الْمُرْجَى الَّذِي بَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَبِئْمَنِهِ رُزْقَ الْوَرَى وَبُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ﴾ (= ...قائم مهدی...، کسی که به بقای او دنیا باقی است و به برکت او آدمیان روزی خورند و به وجود او زمین و آسمان پابرجاست).^۲

۱. الذاریات، ۵۶؛ (= و جنّ و انس را نیافریدم، جز برای آنکه مرا بپرستند).

۲. زادالمعاد، ص ۴۲۳.

از امام زین‌العابدین علیه‌السلام نقل شده است: «ما امام مسلمانان و حجت خدا بر جهانیان و بزرگ مؤمنان و رهبر شناخته‌شده و والی مؤمنانیم و ما امان برای اهل زمینیم؛ همان‌گونه که ستارگان امان برای اهل آسمان‌اند. به‌خاطر ما آسمان بر زمین فرو نمی‌افتد، مگر با اذن او و زمین نگاه داشته می‌شود تا مضطرب نگردد و به‌واسطه ما باران نازل و رحمت گسترده و زمین برکاتش را خارج می‌کند. اگر ما بر روی زمین نبودیم، اهل خود را فرو می‌برد.»^۱

از امام محمدباقر علیه‌السلام نقل شده است: «اگر زمین یک روز هم بدون امامی از ما باشد، اهل خود را خواهد بلعید و خداوند آنان را به شدیدترین عذاب‌ها معذب خواهد ساخت؛ چون ما را حجت در زمین و امان برای زمینیان قرار داد و تا وقتی که ما در میانشان باشیم، زمین آنها را نخواهد بلعید. هنگامی که خداوند بخواهد آنان را هلاک سازد و به ایشان مهلت ندهد

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷.



و به چشم رحمت ننگرد، ما را از میان ایشان خواهد گرفت و هر بلا که بخواهد، بر ایشان نازل خواهد ساخت.»^۱

حال که چنین است، معلوم می‌شود که چگونه آن بزرگواران واسطه فیض الهی هستند و چرایی آن معلوم می‌شود. البته این بدان معنا نیست که کسی نتواند مستقیم با خدا سخن گوید؛ بلکه با توسل به اهل بیت علیهم‌السلام بهتر می‌توان به درگاه الهی شتافت.

پرسش ۱۲: با توجه به اینکه خداوند متعال به همه انسان‌ها نزدیک است، چرا برای نزدیک شدن به او، ائمه علیهم‌السلام را واسطه قرار دهیم؟

پاسخ: بی‌شک خدای متعال به همه نزدیک است. خود او می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (= همانا ما انسان را آفریدیم و همه آنچه

۱. دلائل اتمامه، ص ۲۳۱.

نفس او را وسوسه می‌کند، می‌دانیم و ما به او از رگ گردن نزدیک‌تریم.^۱ این مطلب، با واسطه‌قراردادن ائمه معصومین علیهم‌السلام منافاتی ندارد؛ چون همان خدا فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ (= ای اهل ایمان، از خدا پروا کنید و برای نزدیک‌شدن به او، وسیله‌ای بجویید).^۲ در تفسیر این آیه، اهل بیت علیهم‌السلام فرموده‌اند: ﴿نحن الوسيلة إلى الله﴾ (= ما وسیله به درگاه خدا هستیم).^۳ بنابراین، با توسل به اهل بیت علیهم‌السلام، وسیله تقرب را به دست می‌گیریم. این با روش‌های دیگر منافات ندارد. به تعبیر صحیح‌تر، به‌جای آنکه تنهایی به نزد خدا رویم، با آبرومندان درگاهش به نزد وی می‌رویم تا خواسته‌مان را برآورده کند.

۱. ق، ۱۶.

۲. مائده، ۳۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۳، ح ۳۸.

پرسش ۱۳: درباره‌ی واسطه‌قرار دادن ائمه اطهار علیهم‌السلام گفته‌اند: «مطابق توحید است؛ چون ائمه اطهار علیهم‌السلام با اذن خدا حاجت‌های ما را بر آورده می‌سازند.» آیا انسان‌ها نمی‌توانند بی‌واسطه با خدا ارتباط برقرار کنند؟

پاسخ: منعی برای آن وجود ندارد، ولی این سؤال، انحرافی است. مناجات ائمه معصومین علیهم‌السلام، مثل مناجات امیرالمومنین علیه‌السلام در مسجد کوفه، مناجات خمس‌عشر، دعای کمیل، دعای عرفه، دعای ابوحمزه ثمالی و... بی‌تردید جلوه‌گاه کمال توحید است که در قالب دعا و مناجات عرضه شده است. این دعاها و مناجات‌ها کیفیت ارتباط بنده با خدا را به دیگران آموزش می‌دهد. این ثروت ارزشمند را تنها شیعه از امامان و رهبران معصوم خود به یادگار دارد و دست دیگران از آن تهی است. در لابه‌لای این دعاها می‌یابیم که خدا را به حق محمد و آل محمد قسم می‌دهند. پس این ارتباط، ارتباط مستقیم انسان با خداست.

توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و ایشان را به درگاه ربوبی او بردن، به معنای این نیست که انسان نتواند به طور مستقیم با خدا ارتباط پیدا کند.

پرسش ۱۴: در حالی که خدا هست، آیا به خدا توسل کنیم یا اهل بیت علیهم‌السلام؟

پاسخ: با توسل به اهل بیت علیهم‌السلام به درگاه ربوبی می‌رویم و این توسل، با آن منافات ندارد. در کتب روایی ما، مطالبی درباره توسل پیامبران الهی به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌یابیم. حضرت آدم علیه‌السلام کلماتی را فراگرفت که مایه نجات وی شد.^۱ قطب‌الدین راوندی در این باره روایت کرده است که او خدا را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام قسم داد.^۲ حاکم نیشابوری و صالحی شامی از ترمذی و نسایی و بیهقی که همگی از بزرگان اهل سنت هستند، از عثمان بن حنیف نقل کرده‌اند که مرد کوری نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و

۱. ﴿و تَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ﴾؛ بقره، ۳۷.

۲. قصص الانبیاء، ص ۵۷.



گفت: «یا رسول الله، دعایی را یادم ده که بخوانم و خدا دید چشمانم را به من باز گرداند.» فرمود: «بگو: ﴿اللهم إني أسألك و أتوجه إليك بنبيك نبي الرحمة يا محمد اني قد توجهت بك إلى ربي اللهم شفعه في و شفغني في نفسي﴾ (= خدایا، از تو درخواست می‌کنم و به تو روی می‌آورم، به پیامبرت، پیامبر رحمت. ای محمد، من با تو به‌سوی خدایم روی آورده‌ام. خدایا، او را شفیع من قرار ده و مرا شفاعت‌شده قرار ده.)» آن مرد این دعا و توسل را خواند و بینایی خود را باز یافت.^۱

عموم مسلمانان، جز اقلیت کج‌اندیش و هابیت، توسل را پذیرفته‌اند. شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه از ابن عباس روایت کرده است که یک بار که عمر برای طلب باران بیرون رفته بود. به عباس، عموی رسول خدا ﷺ گفت: «برخیز و از خدا طلب باران کن.» خود وی

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۲۶؛ سبیل الهمدی و الرشاد، ج ۱۲، ص ۴۰۴.

گفت: «خدایا، ما به عموی پیامبرت متوسل شدیم.»^۱ همچنین بزرگان اهل سنت، مثل نووی^۲ و بیهقی^۳ و آلوسی،^۴ توسل عمر به ابن عباس را در کتاب‌های خودشان آورده‌اند.

چنانچه وهابیون بگویند توسل به عموی پیامبر از آن روی بوده است که وی در آن زمان زنده بوده است، پاسخ داده می‌شود که؛ در توسل به مقام و جایگاه شخص توسل می‌شود و از این جهت فرقی بین زنده یا مرده بودن وی نیست. افزون بر این، معصومین علیهم‌السلام که ما به آن‌ها متوسل می‌شویم همگی به شهادت رسیده‌اند و شهیدان به تصریح قرآن کریم زنده‌اند ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (= هرگز کسانی را که در راه خدا کشته

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۳۹، ح ۱۵۰۵.

۲. المجموع، ج ۵، ص ۶۵.

۳. دلائل النبوة، ج ۲، ص ۵۶۶، ح ۵۱۱.

۴. تفسیر الالوسی، ج ۶، ص ۱۲۷.



شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

پرسش ۱۵: چرا و چگونه توسل کنیم؟

پاسخ: چرایی آن به موقعیت ممتاز آن بزرگوران برمی‌گردد که آن هم از طرف خداست. دعاهایی بسیاری در بردارنده توسل به رسول خدا ﷺ و اهل بیت او علیهم‌السلام است. نمونه‌هایی را می‌آوریم: مرحوم سیدبن طاووس و کفعمی این توسل را از حضرت امام زین‌العابدین علیهم‌السلام در ضمن دعایی آورده‌اند: ﴿إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَبِعَلِيِّ وَصِيِّهِ وَفَاطِمَةَ ابْنَتِهِ وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُجَّةِ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ﴾ (= خدایا، ما متوسل می‌شویم به درگاہت با محمد رسول تو و با علی وصی او و فاطمه دختر او و با حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت‌بن‌الحسن،

اهل بیت رحمت.)^۱

و در ضمن زیارت حضرت سیدالشهدا امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: ﴿إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ هَذَا الصِّدِّيقِ الْأَمَامِ وَ نَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ وَ لَجَدِهِ رَسُولِكَ وَ لِأَبَوَيْهِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ﴾ (= بار خدایا، ما متوسل می‌شویم به درگاہت با این امام بسیار راستگو و با آن حقی که تو برای او و پدر بزرگش رسول تو و پدر و مادر او، علی و فاطمه، اهل بیت رحمت قرار دادی.)^۲

مرحوم علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار از برخی از کتاب‌های قدیمی شیعه این دعا را از محمد بن بابویه قمی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل می‌کند و پیش از آن می‌گوید: «در هر مسئله‌ای که خواندم، سرعت اجابت آن را دیدم.» آنگاه دعای توسل معروف را می‌آورد: ﴿اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا أَمَامَ الرَّحْمَةِ يَا سَيِّدَنَا وَ

۱. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۸۶؛ البلد الأمين، ص ۴۷؛ کفعمی، مصباح، ص ۶۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۳۷.



مَوْلَانَا اَنَا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ... ﴿

تا آخر. ۱ آنگاه مرحوم مجلسی می گوید: «در کتاب عتیق غروی مثل آن با ضمیر متکلم وحده آمده است.» در آخر آن این عبارت را دارد: ﴿يَا سَادَتِي وَ مَوَالِيَّ اِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ اِئْتِي وَ عُدَّتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَ حَاجَتِي اِلَى اللّٰهِ وَ تَوَسَّلْتُ بِكُمْ اِلَى اللّٰهِ وَ اسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ اِلَى اللّٰهِ فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللّٰهِ وَ اسْتَنْفِدُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللّٰهِ فَانْكُمُ وَاَسِيَلْتِي اِلَى اللّٰهِ وَ بِجُبُّكُمْ وَ بِقُرْبِكُمْ اَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللّٰهِ فَكُونُوا عِنْدَ اللّٰهِ رَجَائِي يَا سَادَتِي يَا اَوْلِيَاءَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ وَ لَعَنَ اللّٰهُ اَعْدَاءَ اللّٰهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿^۲

پرسش ۱۶: مگر خدا مستقیماً نمی تواند فیض به بندگان برساند؟

پاسخ: خداوند بر همه چیز تواناست؛ ولی خود او اسباب و مجاری فیض را قرار داده است.

۱. همان، ج ۹۹، ص ۲۴۷.
 ۲. همان، ص ۲۴۹.

در نهایت، مسبب‌الأسباب و منبع فیض خود اوست و این چیزی از توانایی خدا نمی‌کاهد. در زیارت حضرت سیدالشهدا می‌خوانیم: ﴿مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ بِكُمْ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْكُذِبَ وَ بِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ وَ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتَمُ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَ بِكُمْ يُثَبِّتُ وَ بِكُمْ يَفُكُ الذَّلَّ مِنْ رِقَابِنَا وَ بِكُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تِرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطَلَّبُ بِهَا وَ بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا وَ بِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا وَ بِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ رِزْقَهَا وَ بِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ وَ بِكُمْ يُنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ تَسِيحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا أَرَادَهُ الرَّبُّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ يَوْمِكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا فَضَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ﴾^۱ و در زیارت جامعه می‌خوانیم: ﴿أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَ حُجَجُ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتَمُ وَ بِكُمْ يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يَنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ﴾^۲

مضمون این عبارتها، روشن‌ساختن موقعیت ممتاز رسول خدا ﷺ و اهل بیت او علیهم‌السلام

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۷.

۲ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵.



است، به گونه‌ای که مشخص شود آن بزرگواران منشأ خیر و برکت بر اهل زمین و آسمان‌اند، تا آنجا که بارش باران و میوه درختان و روزی بندگان و امنیت زمین و زمان و رفع اندوه و گرفتاری گرفتاران به برکت وجود ایشان است. از این رو آن بزرگواران را مجاری فیض خدا خوانده‌اند.

پرسش ۱۷: چگونه و با چه روشی به ائمه علیهم‌السلام متوسل شویم و چه بگوییم تا حاجاتمان بر آورده شود؟

پاسخ: در هر مکان و با هر زبان و به هر وسیله و از جمله با خواندن دعاهای خاص می‌توان توسل جست. با تشریف به حرم امامان معصوم علیهم‌السلام و زیارت می‌توان عرض حال کرد و از این بزرگان درگاه الهی مدد خواست. بی‌تردید حرم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت او علیهم‌السلام محل نزول رحمت الهی است. کمک‌خواستن از خداوند در این گونه جاها مدنظر است. با



امید به عنایت خدا و رضای به مصلحت او، می‌توانیم حاجت‌هایمان را مطرح سازیم و امید به برآورده‌شدن آن‌ها داشته باشیم. البته این نکته را هم باید در نظر داشته باشیم که گاهی مصلحت در تأخیر یا عوض‌شدن حاجت است؛ ولی در هر صورت، وظیفه، دعا و توسل است.

پرسش ۱۸: آیا وقتی بیماری به سراغمان می‌آید، می‌توانیم بدون مراجعه به پزشک و مصرف دارو، فقط به وسیله سوره‌ها و آیات قرآن و نیز ادعیه و توسل به ائمه علیهم‌السلام شفا پیدا کنیم؟ چه موقع می‌توانیم و چه موقع نمی‌توانیم؟

پاسخ: در هر حال باید سراغ خدا رفت. تأثیر داروها نیز از دایره اراده خدا خارج نیست و همه این‌ها در دایره نظام سبب و مسبب و علت و معلول قرار می‌گیرد که تحت قدرت و حاکمیت ربوبی است؛ چون مسبب‌الاسباب و علت‌العلل، اوست. به‌هنگام بیماری باید سراغ پزشک رفت و دارو مصرف کرد و اقدام به درمان کرد؛ ولی در همان حال از دعا و توسل به

رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام نباید غافل بود. گاهی پیش می‌آید که از درمان و داروی متداول کاری پیش نمی‌رود و پزشکان اعلام می‌کنند که دیگر کاری از دستشان نمی‌آید. آنجاست که دیگر راهی غیر از دعا و توسل باقی نمی‌ماند.

پرسش ۱۹: طبق آیه ﴿إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى﴾ و آیه ﴿مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾، مردگان نمی‌شنوند. سلام کردن و سخن گفتن با پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام چه توجیهی دارد؟

پاسخ: مرگ به معنای نابودی و نیستی انسان نیست؛ بلکه انتقال از دنیا به جهانی دیگر به نام برزخ است. زندگی در آن جهان به گونه‌ای دیگر ادامه می‌یابد تا هنگامی که قیامت فرا رسد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ (= و پس از مرگ، فراروی ایشان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند). آنچه تشکیل دهنده هویت اصلی انسان است، روح اوست که از بین نمی‌رود. بدن برای انسان به‌سان مرکب سواری است که عمر مفید دارد



و بعد، کنار گذاشته می‌شود و به چیز دیگر تبدیل می‌شود. با تمام‌شدن اجل و فرارسیدن مرگ، ارتباط روح با این بدن قطع می‌شود و نوعاً این بدن متلاشی می‌شود و رفته‌رفته به خاک تبدیل می‌شود؛ ولی حیات روحانی انسان باقی است. این جسم در دنیا و پیش از مرگ نیز دستخوش تغییر و تحول و حرکت جوهری بود؛ به‌گونه‌ای که در هر هشت سال، تمامی سلول‌های آن تعویض می‌شد و از نو می‌روید. ولی این تغییر و تحول جسمی و بدنی، کاری به هویت انسانی او نداشت. این همان هویتی است که پس از مرگ نیز باقی است و زندگی‌اش در عالم برزخ ادامه می‌یابد. از این‌رو، تلقین میت از مستحبات و آداب دفن شمرده شده است و این نشان از آن دارد که در آن حال، روح مرده می‌شنود و می‌فهمد.

بنابراین، روشن می‌شود که چگونه با پیامبران و امامان علیهم‌السلام سخن می‌گوییم و چگونه آنان می‌شنوند و جواب می‌دهند. در زیارت‌نامه‌های آن بزرگواران می‌خوانیم که سلام ما را می‌شنوند و پاسخمان را می‌گویند. در اذن دخول مشاهد مشرفه می‌خوانیم: ﴿و اعلم ان رسولك

و خلفائك عليهم السلام احياء عندك يرزقون يرون مقامي و يسمعون كلامي و يردون سلامي ﴿ (= خدایا، می‌دانم که رسول و جانشینان تو که سلام و درود بر آنان باد، زنده‌اند و نزد تو روزی می‌خورند؛ ایستادند را می‌بینند و سخنم را می‌شنوند و سلامم را جواب می‌دهند).^۱

و از رسول خدا ﷺ روایت شده است: «هر کس در هر جای زمین به من سلام فرستد، به من می‌رسد و هر کس که در نزدیکی قبرم بر من سلام دهد، آن را می‌شنوم.»^۲ برای اساس، سلام کردن و سخن گفتن با اولیای الهی امری بسیار شایسته و بایسته است.

اما آیات ﴿إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى﴾ و ﴿مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾، به توسل ربطی ندارد. در این آیات شریفه، کافران مرده‌دل به انسان‌های بی‌روح و مرده تشبیه شده‌اند. همان‌طور که مردگان به دلیل مرگ، ادراک حسی ندارند، چون چشم و گوش و دیگر ابزار حس را ندارند، کافران

۱. کفعمی، مصباح، ص ۴۷۳.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۳۸، ح ۱۹۳۴۸.



معاند نیز چشم حق‌بین و گوش حق‌شنو ندارند. از این رو، پیام اصلی آیه نکوهش کافران و تشبیه آنان به مردگان است. یعنی ای پیامبر، تو توانایی هدایت این‌گونه کافران را نداری و اینان زیر بار حق نمی‌روند. این آیات هیچ ربطی به بحث ما ندارد. متأسفانه وهابی‌ها به دلیل کج‌فهمی، به این آیات در غیر موضوعش تمسک می‌کنند و هم خود به گمراهی می‌افتند و هم کسانی را به گمراهی می‌اندازند که اطلاع درستی ندارند و از دانش کافی برخوردار نیستند.

پرسش ۲۰: اگر همان‌طور که خدا در هر مکانی صدای ما را می‌شنود، ائمه علیهم‌السلام هم می‌شنوند، پس تفاوت خدا با بندگانش چیست؟

پاسخ: مگر صرف شنیدن صدا علامت ربوبیت است؟ خدای متعال محیط بر همه است و بدون نیاز به گوش و چشم و سایر حواس، بر همه چیز اشراف دارد و از همه چیز آگاه است؛ چون خدای متعال جسم نیست تا از ادوات و ابزار حسی کمک گیرد و بی‌نیاز از همه است.

اما اولیای خدا که پس از مرگ صدای ما را می‌شنوند، به دلیل قدرت روحانی ایشان است که خدا به ایشان داده است. در زیارت‌نامه حضرت امیرمؤمنان می‌خوانیم: ﴿أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَشْهَدُ مَقَامِي﴾ (= شهادت می‌دهم که سخن مرا می‌شنوی و مرا می‌بینی).^۱ ابن‌فهد حلی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است که هر کسی که حاجتی دارد، بالاسر حضرت سیدالشهدا علیه السلام بایستد و بگوید: ﴿يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ أَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّكَ تُرْزَقُ فَاسْأَلْ رَبَّكَ وَ رَبِّي فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي﴾ (= ای اباعبدالله، شهادت می‌دهم که تو حضورم را در درگاهت می‌بینی و سخنم را می‌شنوی و تو زنده‌ای و نزد پروردگارت روزی می‌خوری؛ پس از خدای خود و من بخواه که حاجتم برآورده شود).^۲

۱. شهید اول، المزار، ص ۹۷.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۴۵، ب ۵۹، ح ۱۲۱۴۹.



برای مطالعه بیشتر

۱. توسل و تبرک، آیت الله جعفر سبحانی، تهران، کانون اندیشه جوان.
۲. توسل و تبرک: اندیشه های علامه سید مرتضی عسکری، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۳. دعا و توسل، حسن طاهری خرم آبادی، قم بوستان کتاب.
۴. حقیقت توسل، صادق محمدی، رهنما، ش ۱۲، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.